

در این دوران به دلیل مسائل پس از جنگ، نتوانیم با «روش اعتدال» مسیر توسعه را طی کنیم.

در «گفتمان اصلاحات» هم با وجود اینکه فرهنگ اصلاحی «فرهنگ مدارا» است اما به دلیل عقب افتادگی‌هایی که در برخی زمینه‌ها داشتیم مسیر توسعه را سریع‌تر طی کردیم. اما در روش و منش اعتدالی بحث بر سر این بود که ما بتوانیم مسأله «سازندگی»، «اصلاحات» و «رشد» را متناسب پیش ببریم که این موقعیت در دوره نخست ریاست جمهوری روحانی تا حدی محقق شد. اما متأسفانه در دوره دوم به دلیل مشکلاتی که در پی برسر کار آمدن ترامپ، ایجاد تحریم‌ها، بی‌انصافی رقبای روحانی و در عرصه‌هایی هم ضعف خود دولت در ساماندهی‌ها، دست به دست هم داد و باعث شد اعتدال تمام و کمال ظرفیت‌های خود را محقق نکند. امروز هم می‌بینیم که ما در مسأله اقتصاد، رجوع مردم به عرصه سیاست، انتخابات، فرهنگ عمومی و فرهنگ مدارا با مشکلاتی روبه‌رو هستیم.

■ باتوجه به اینکه اشاره کردید جریان اعتدال یک «روش» است، فکر می‌کنید چقدر این «روش» و «منش» توانست برای تداومش در عرصه سیاست بستر سازی‌های لازم را انجام دهد چنانکه در گفتمان بعدی توان استمرار داشته باشد؟

واقعیت این است که روش اعتدال به دلایل عدیده‌ای که بخشی از آن درونی و بخشی فشار از بیرون بود، نتوانست خود را چنانکه انتظار می‌رفت، مستقر کند. بالطبع، ما امروز نوعی خروج از اعتدال را هم در فرهنگ عمومی، هم در اقتصاد، هم در مناسبات سیاسی و هم در انتخابات‌مان می‌بینیم. بنابراین وقتی جامعه از مسیر اعتدال خارج و امکان اعتدال از آن گرفته می‌شود طبیعی است که در دوره‌هایی با افراط و تفریط‌های جدی هم روبه‌رو شود. البته امید دارم باتوجه به تجارب و عقلانیتی که سیاست‌ورزان چه در حاکمیت، چه در احزاب و چه در جامعه مدنی دارند، بتوانیم به مشی اعتدال بازگردیم.

■ باتوجه به شرایط امروز جامعه و نوع مطالبات سیاسی و اجتماعی که مردم دارند فکر می‌کنید در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ چه گفتمانی با چه شاخصه‌هایی از طرف مردم اقبال بیشتری خواهد داشت؟

جامعه ایران هیچ‌گاه دارای یک گفتمان کاملاً شفاف نبوده و در بستر تاریخی‌اش چه در ایران باستان، چه در ایران اسلامی و چه در ایران اکنون، همواره با گفتمان‌های ترکیبی پیوند خورده است. به این معنا که گفتمان‌هایی که در جامعه ایران شکل می‌گیرند از یک سوره‌ریشه در «فرهنگ ایرانی»

دارند و از سوی دیگر، از یک پشتوانه «فرهنگ معنوی و دینی» نیز برخوردارند که در پیوند با «گفتمان ملی» قرار می‌گیرند. همچنین در طول تاریخ، برای ایرانیان مسأله پیشرفت و بهره‌گیری از دستاوردهای بشری همواره یک مقوله مهم بوده است. به همین دلیل، در فرهنگ ایرانی علاوه بر خود فرهنگ ایرانی و معنویت، بهره‌گیری و اقتباس از فرهنگ‌های دیگر نیز مشهود است.

اما اگر بخواهیم از گفتمان‌های مسلط یاد کنیم، باید گفت در همه گفتمان‌هایی که تا به امروز از سر گذرانده‌ایم، چند مؤلفه مهم وجود داشته که در بستر تاریخ این گفتمان‌ها را پایدار کرده است؛ نخست «گفتمان عدالت‌خواهی» است. واقعیت این است که از دیرباز، حتی در فرهنگ قبل از اسلام، دادخواهی و عدالت‌خواهی یک امر

مورد نقد قرار داده و در دوره‌هایی آن را تعدیل کنند که در مشروطه و انقلاب اسلامی این تلاش صورت گرفت. اما همچنان مسأله رجوع به آرای عمومی و بحث تعیین سرنوشت جامعه توسط خود جامعه از جمله مؤلفه‌هایی است که در جامعه ما در دوره‌های مختلف تحولات و جنبش‌هایی را ایجاد کرده است. بنابراین، می‌توان گفت که «دموکراسی خواهی» از جمله گفتمان‌هایی است که جامعه ما همواره به آن پاسخ مثبت داده است. البته به نظر می‌رسد وقتی جامعه بین تنگنای «عدالت خواهی» و «دموکراسی خواهی» قرار می‌گیرد ترجیح طبیعی جامعه این است که مسأله عدالت در توزیع منابع ثروت در اولویت قرار گیرد. این در حالی است که تجربه بشری نشان می‌دهد زمانی یک جامعه به توسعه پایدار

در «گفتمان سازندگی» به دلیل مسائل پس از جنگ، نتوانستیم با «روش اعتدال» مسیر توسعه را طی کنیم. در «گفتمان اصلاحات» هم، به دلیل عقب‌افتادگی‌های تاریخی که در برخی زمینه‌ها داشتیم مسیر توسعه را سریع‌تر طی کردیم. اما در «مشی اعتدال» بحث بر سر این بود که ما بتوانیم مسأله «سازندگی»، «اصلاحات» و «رشد» را متناسب پیش ببریم که این موقعیت در دوره نخست ریاست جمهوری روحانی تا حدی محقق شد

می‌رسد که توأمان ترکیبی از «دموکراسی خواهی» و «عدالت» را در کنار هم داشته باشد.

جامعه ایرانی همواره به دنبال استفاده از دستاوردهای خوب بشری است. مسأله پیشرفت در تاریخ ما مسأله بسیار مهمی است. اگر گفتمانی بتواند سه ترکیب «عدالت»، «دموکراسی» و «پیشرفت» را در کنار فرهنگ معنوی و اسلامی توأمان داشته باشد، می‌تواند قدرت بسیج‌گری پیدا کند. هرچند به ضرورت در هر دوره‌ای ممکن است یکی از این مؤلفه‌ها پررنگ‌تر شود. از این رو، معتقدم، در حال حاضر، «عدالت اجتماعی» مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که جامعه به آن پاسخ می‌دهد؛ فقط باید جامعه را متوجه این نکته کرد که مراقب باشد مبادا افرادی با تمسک به این مؤلفه، به حق تعیین سرنوشت، پیشرفت و فرهنگ معنوی جامعه لطمه بزنند.

مستمر بوده و در فرهنگ اسلامی بویژه در قرآن تأکید بسیاری هم بر این مفهوم شده است. بر این اساس، فرهنگ عدالت و عدالت‌خواهی یکی از مؤلفه‌های مهم گفتمان ایرانی است که هر از گاهی به دلیل مشکلات و بی‌عدالتی‌هایی که در جامعه پیش می‌آید، برجسته می‌شود.

واقعیت این است که امروز هم به دلیل مشکلات و تنگناهای اقتصادی، بحران‌های ناشی از تحریم، کرونا و... مجدد بحث فاصله طبقاتی به شکل جدی مطرح شده است. طبیعتاً، در این فضا «گفتمان عدالت‌خواهی» برای اقشار مختلف جامعه جاذبه بیشتری خواهد داشت و این ظرفیت را پیدا خواهد کرد که همبستگی و پیوندهای جدی ایجاد کند.

از طرف دیگر، حداقل در این ۱۶۰ سال اخیر، ایرانیان در تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود تلاش کردند که مسأله خودکامگی و استبداد را